



بررسی فرآیندها و نقش آن در گفتمان ایدئولوژیکی فتوت‌نامه سهروردی با رویکرد نقش‌گرایی داوود قنبری^۱

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران
نوگس اسکویی^۲

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

عزیز حجاجی کهجوق^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

چکیده

فتوت‌نامه‌ها به جهت احتوا بر انواع گفتمان‌های اهل فتوت با نگره‌های متفاوت، از اهمیت بسیاری در پژوهش‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، عرفانی و ادبی در موضوع فتوت و تاریخچه و تأثرات و تأثیر همه‌جانبه آن بر جوامع اسلامی، برخوردارند. در این میان تحلیل گفتمان فتوت‌نامه ابو حفص عمر سهروردی، به جهت جنبه اجتهادی و نظریه‌پردازانه شیخ در ایجاد پیوستاری بین مفاهیم اخلاق و عرفان از یک‌سوء، و توسعه دیدگاه‌های شیعی در نظریه‌پردازی اهل تصوف و فتوت از سویی دیگر، اهمیتی مضاعف می‌یابد. در این پژوهش، به منظور تحلیل گفتمانی متن فتوت‌نامه سهروردی و کشف سازوکارهای میان‌ذهن و زبان نویسنده و بافت فرهنگی-اجتماعی متن و نیز تحلیل مؤلفه‌های اندیشگانی مستتر در آن، به روش زبان‌شناسان سیستمی-نقشی (نقش‌گرا)، از تحلیل فرآیندها استفاده شده است. از تحلیل انواع فرآیندها در این متن دریافتیم که فراوانی فرآیندهای ذهنی (و گونه‌های آن) و نیز بسامد بالای فرآیندهای رابطه‌ای (شناسایی-وصفی) و فرآیندهای وجودی در این متن، نشانگر غلبه کنش ایضاحی و اثباتی در گفتمان مؤلف است که اهدافی چون تشریح نهاد فتوت، یک‌سویی بخشیدن به نهادهای اخلاق، عرفان و سیاست و نیز مشروعیت‌بخشی به پایگاه شیعی این نهاد را (تحت حمایت مستقیم خلیفه‌الناصر لدین الله) تقویت می‌کند. فراوانی معنادار فرآیندهای مذکور، موجب کاهش کنش‌های ارتباطی و تعاملی گفتمانی در متن و عاملی برای تقویت منظوره‌های گفتمانی تک‌صدایی و جنبه‌های ارزشی/ایدئولوژیکی موجود در سازه‌های تجربی (تشریحی، مشروعیت‌بخشی و کنش‌های اثباتی و ایضاحی) متن است.

واژه‌های کلیدی: آغاز گرها، فتوت‌نامه، ابو حفص شهاب‌الدین عمر سهروردی، زبان‌شناسی نقش‌گرا، گفتمان تک‌صدایی، کنش‌های گفتاری.

¹ Email: ghanbari@yahoo.com

² Email: noskooi@yahoo.com

³ Email: hojaji@yahoo.com





Investigating the Processes and their Roles in Suhrawardi's Ideological Discourse Based on the Functionalist Approach

Davood Ghanbari¹

PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad
University, Bonab Branch, Bonab, Iran

Narges Oskooyi²

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad
University, Bonab Branch, Bonab, Iran

Aziz Hojaji Kahjoogh³

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad
University, Bonab Branch, Bonab, Iran

Received: 2021/09/27 | Accepted: 2022/03/10

Abstract

Being inclusive of various discourses of different practitioners of *fotowwat* (generosity), *Fotowwat-Name* (the letter of generosity) is of great importance in political, social, moral, mystical, and literary researches on the subject of *fotowwat*, its history and effects on Islamic societies. In the meantime, the analysis of the discourse of Abu Hafs Omar Suhrawardi's *Fotowwat-Name* becomes doubly important due to the *ijtihad* and theorizing aspects as the author unifies the concepts of ethics and mysticism on the one hand, and the development of Shiite views in Sufism and *fotowwat* on the other. Based on the functionalist linguists' methodology, this study has drawn on process-analysis to analyze the discourse of Soharvardi's *Fotowwat-Name*, as well as to discover the mechanisms between the author's language/mind and the cultural-social context of the text. The high frequency of mental, relational (descriptive/subjective), and existential processes suggest that the positivist and explanative acts are dominant which in turn lead to the legislation of the institution of *Fotowwat*, unification of the institutions of ethics, mysticism, and politics, as well as legitimization of the Shiite base of *Fotowwat* under the direct support of caliph Alnaser le Dinellah. The significant frequency of these processes reduces the communicative and interactive actions of discourse in the text, and is a factor for strengthening the monologic discourse purposes, and for upholding the aspects of value, ideology in the empirical structure (legislative, legitimizing, positive and explicit) of the text.

Keywords: initiators, *Fotowwat-Name* (The letter of generosity), Abu Hafs Shahabuddin Omar Suhrawardi, Functionalist Linguistics, Monologic Discourse, Speech Acts.

¹ Email: ghanbari@yahoo.com

² Email: noskooyi@yahoo.com

³ Email: hojaji@yahoo.com

(Corresponding Author)



۱. مقدمه

فتوت‌نامه‌ها یکی از منابع مهم در شناخت گفتمان فرهنگی و ایدئولوژیکی اهل فتوت به شمار می‌آیند. اولین فتوت‌نامه‌ها که به معنای واقعی نمایانگر منش ایدئولوژیکی اهل فتوت و منبعث از انگاره‌های گفتمانی این طریقت باشد، منتسب است به روزگار خلافت الناصر لدین الله عباسی؛ زیرا در این عهد فتوت از جنبه صوری و سطحی خارج شد و در شمار اهم مسائل درآمد؛ نتیجه آن شد که از آن پس گروه فتوت را به چشم دیگری نگرستند و نویسندگان آن را مطلبی شایسته بحث و فحص یافتند. از این‌روی، از زمان خلافت ناصر به بعد، ادبیات مخصوصی درباره فتوت به وجود آمد (تیشنر، ۱۳۳۵: ۸۷). در تاریخ اسلام، فتوت در عرصه سیاسی-اجتماعی و بنا بر مقتضیات زمان و مکان، مفهومی سیال و گفتمان‌هایی متعدد داشته است. این امر اختلاف نظر پژوهش‌گران را در مورد اهداف و مقاصد فیتان در پی آورده است. ارزش‌های اخلاقی به میراث مانده از آیین‌های پیش از اسلام که بر نبرد دائم میان نیکی و بدی استوار بودند و قیام‌های آزادی‌خواهانه چون مبارزات سرخ‌جامگان و سیاه‌جامگان، در شکل‌گیری نهاد فتوت مؤثر بوده است (نفیسی، ۱۳۸۴: ۲۴؛ Zakeri, 1995: 301). البته در همین برهه نیز تاریخ از قانون‌گریزی و عیاشی برخی، تحت عنوان فیتان و اوباش و عیاران یاد می‌کند (فرای، ۱۳۶۳: ۲۵۷؛ Cahen, 1987: 423). بنابراین وضع قوانینی از سوی متفکران این نهاد برای سروسامان بخشیدن به آن اجتناب‌ناپذیر بوده است. منشأ فتوت اصیل را در قرن سوم هجری و در نیمه شرقی ایران (خراسان) به مرجعیت نوح عیار نیشابوری معرفی نموده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۱). در قرن پنجم سرکوب اهل فتوت از طرف عباسیان شدت گرفت، اسماعیلیان با استفاده از این فرصت، خود را به این گروه نزدیک ساختند تا از طریق آنان فعالیت‌های سیاسی خود را سازمان‌دهی کنند (Cahen, 1991: 902). در قرن ششم با گسترش این نهاد و نفوذ هر چه بیشتر آن در طبقات مردم و صنوف مشاغل، گرایش‌ها و تفکرات بسیار متفاوتی در آن به وجود آمد تا جایی که گاه به دشمنی و خونریزی می‌انجامید. زمانی که ناصر لدین الله با پوشیدن جامه فتوت به دست عبدالجبار بن یوسف بن صالح البغدادی به این فرقه گروید، خود را قطب و قبله فیتان خواند

(اقبال، ۱۳۸۸: ۱۳۴۶) و تلاش نمود تا فرق مختلف فتوت را تحت یک نظام فکری و سیاسی متحد و هماهنگ در آورد. این مسأله در جنبه نظری و عملی فتوت تأثیرگذار بود، تا جایی که در سده ششم، از یک نهاد معنوی صرف به نهادی سیاسی تغییر کاربری یافت. با حمله مغول نهادی که ناصر بنیاد نهاده بود، از هم گسست اما در عصر ایلخانیان روند توسعه‌ای فتوت علی‌رغم دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، همچنان ادامه و گسترش یافت و از نهاد و گفتمانی سیاسی به نهاد و گفتمانی اخلاقی- صنفی، ولی با صبغه‌ای صوفیانه، تبدیل و تغییر ماهیت داد. از این زمان به بعد جنبه اخلاقی و اجتماعی فتوت بر روحیه جنگاوری و جوانمردی آن می‌چربید (تیشتر، ۱۳۳۵: ۹۴).

امروزه علم زبان‌شناسی و نظریه‌های متن‌شناختی و معناشناختی آن، راه کارهای مناسبی جهت تحلیل گفتمان متون و کشف ناگفته‌های اندیشگانی و معرفتی مستتر در بافت متن را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. هدف این مقاله نیز آن بوده است که جهت دستیابی به اطلاعات گفتمانی-سیستمی این متن، از زبان‌شناسی سیستمی-نقشی و تحلیل فرآیندها بهره یابد. این نوع مطالعات، بر تحلیل‌های گفتمانی متکی است و زبان را پدیده‌ای برون فردی و اجتماعی معرفی می‌کند که مهم‌ترین رویکرد آن، انتقال معنا است.

۱-۱. بیان مسأله

مسأله اصلی این تحقیق، تحلیل گفتمانی و ایدئولوژیکی فتوت نامه عمر سه‌روردی به‌عنوان نمونه‌ای شاخص از فتوت نامه‌های فارسی به جهت اشمال بر نظرگاه‌های اجتهادی و جریان‌ساز شیخ در مرام اهل فتوت و جهت‌بخشی به گفتمان و سیره عملی و اجتماعی این نهاد بوده است. در این پژوهش، با اتخاذ رویکرد زبان‌شناسی سیستمی-نقشی و از طریق تحلیل فرآیندها، به تحلیل معانی انتزاعی و گفتمانی زبان این متن در بافت موقعیتی آن توجه شده است. فرآیندها و کیفیت توسعه آن در متن، از آنجا که نقش مهمی در پردازش گفتمانی متن و ساخت اطلاعاتی آن ایفا می‌کند، در پژوهش‌های ادبی و زبان‌شناسی مورد توجه بسیار قرار گرفته است. این نظریه سیستمی-کاربردی، زبان را در بافت آن و با توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی بررسی می‌کند و ساختاربندی زبان را در

جهت انتقال مفاهیم انتزاعی و ایفای نقش‌های کاربردی و گفتمانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این تحقیق، از روش ترکیبی-تحلیلی، استدلالی و آماری استفاده شده است.

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

شیخ شهاب‌الدین سهروردی، شیخ‌الشیوخ بغداد که ارباب سیر و سلوک پیوسته از دور و نزدیک استفتای مسائل از او می‌کرده‌اند، یکی از بزرگ‌ترین عارفانی است که در حفظ تصوف در حدود سنت و شریعت و پیراستن آن از آرای مبتدعان، مؤثر بوده است. وی در آثارش اصول و آداب اخلاق عرفان اسلامی را شکل داده و از قرن ۷ تا امروز در جمیع طرایق و همه حوزه‌های عرفانی اثر معنوی عمیقی داشته است. طرایق تصوف که در عصر او سازمان و شکلی متکامل یافته بودند و در اکثر بلاد دور و نزدیک، خانقاه‌ها، تکیه‌ها و رباط‌هایی داشتند، با شهاب‌الدین مرتبط بودند و از اشارات و نوشته‌هایش بهره‌ور. شهاب‌الدین در میان آثار اثرگذارش، دو فتوت‌نامه دارد که از آن می‌توان به‌عنوان درس‌نامه فتوت و مهم‌ترین منابع برای شناخت گفتمان این مکتب یاد کرد. این امر، بر اهمیت و ضرورت انجام پژوهش‌های نوین با تکیه بر نظریه‌های تازه‌تر نقد و تحلیل متون، برای شناخت گفتمان ایدئولوژیکی شیخ شهاب‌الدین سهروردی و مکتب فتوت صحه می‌نهد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

می‌توان ادعا کرد که درباره آثار شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی، کمیّت پژوهش‌ها و آثار تحقیقی، در شأن مقام این عارف نظریه‌پرداز نبوده است. اگرچه پیشتر تحقیقاتی اندک در موضوع تحلیل یا معرفی نوشته‌های دیگر شیخ انجام یافته است؛ نظیر مقاله «پاسخ‌های شهاب‌الدین عمر سهروردی به پرسش‌های علمای خراسان» نوشته احمد طاهری عراقی (۱۳۶۹) که به بررسی رساله «اسئله و اجوبه» شیخ اختصاص دارد؛ و یا مقاله «ترجمه عوارف المعارف از ظهیرالدین عبدالرحمن شیرازی» تألیف امید سروری (۱۳۹۴) که به سبک ترجمه مترجم یکی از آثار شهاب‌الدین پرداخته است اما تاکنون اثری که

به‌طور مستقل و به شکل جامع، رساله فتوت نامه شیخ را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، انجام نیافته است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. زبان‌شناسی نقش‌گرا

در زبان‌شناسی نقش‌گرا، زبان به‌صورت کاربردی مورد بررسی قرار می‌گیرد و فراتر از جمله و در سطح متن تحلیل می‌شود. «معنای هر پاره گفتار، محصول نقش‌های متفاوت زبانی است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۴۷) و زبان را مستقل و جدا از ویژگی‌های ذهنی مورد کاوش قرار می‌دهد. هدف اصلی زبان در رویکرد نقش‌گرا، ارتباط بین انسان‌ها و تبادل معناست (Thompson, 2004:14). «زبان‌شناسی نقش‌گرا که با قبول اصول ساخت‌گرایی بر نقش زبان و نقش واحدهای ساختاری زبان تأکید می‌کند، از جهات بسیار، مناسب مطالعات ادبی است: یکی از این جهت که زبان‌شناسی نقش‌گرا به جنبه‌های خاص و ممتاز و وابسته به متن هر جمله نیز عنایت خاص دارد و نیز از این جهت که به‌دلیل حساسیتی که نسبت به ویژگی‌های خاص جمله و به تناسب آن با محیط پیرامونش نشان می‌دهد، خواه ناخواه به وجود ساخت بزرگ‌تر از ساخت جمله نیز قائل است و آن ساخت متن است؛ سومین چیزی که به جهت آن زبان‌شناسی نقش‌گرا مناسب مطالعات ادبی می‌شود، در این است که این نوع خاص از زبان‌شناسی، گذشته از دو لایه ساختار جمله و متن، لایه ساختاری سومی هم دارد که از آن به نام گفتمان یاد می‌کنیم» (ایشانی و توتونچیان، ۱۳۹۴: ۵۵). نقش اندیشگانی در زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند برای تحلیل نگرش نویسنده و نوع گزینش سبکی وی کارایی زیادی دارد.

۲-۲. فرانش‌های دستور نظام‌مند

فرانش‌ها همان بخش‌های بنیادین معنا هستند و به عقیده هلیدی و متیسن درک تجربه‌ها و ایجاد روابط اجتماعی، نقش‌های اصلی زبان در ارتباط با محیط اجتماعی هستند. «از دیدگاه نقش‌گرایی، هر جامعه‌ای دارای بافت موقعیتی Context of Situation و بافت

فرهنگی Context of culture است. منظور از بافت فرهنگی همان شرایط خاص فرهنگی هر جامعه و زیرگروه‌های آن است که بر نحوه خلق معانی تأثیر فعال دارد. اما بافت موقعیتی، تحلیل کلی موقعیتی است که رخداد زبانی در آن شکل می‌گیرد و شامل سه عنصر موضوع، عاملان سخن یا همان گوینده و شنونده و شیوه بیان Mode یعنی گفتار یا نوشتار و نحوه ادای معنی است. باز نمود هر یک از این عناصر موقعیتی و بافتی در زبان را فرانشس می‌گویند و بازتاب موضوع سخن در زبان را فرانشس تجربی Experiential Meta-function و بازتاب عاملان سخن را فرانشس بین‌افرادی Interpersonal meta-function و بازتاب نحوه ادای سخن را فرانشس متنی Textual meta-function می‌نامند (ایشانی، ۱۳۹۳: ۵۶).

۱-۲-۲. فرانشس تجربی (اندیشگانی)

در فرانشس تجربی به محتوای گزاره‌ای Propositional بندها پرداخته می‌شود و تجربه‌ای که منتقل می‌شود مربوط به جهان بیرون و یا عوامل درونی است. بر طبق این فرانشس هر بند در سه مورد بررسی می‌شود:

الف) فرآیندها Process: فعل‌ها که از دو گروه اصلی تشکیل می‌یابند:

- افعال مادی Material: افعالی که کنشی را نشان می‌دهند.
- افعال ذهنی Mental، افعالی که حسی را منتقل می‌کنند.
- افعال رابطه‌ای Relation: فعل‌های ربطی که بر سه دسته «رابطه صفتی»، «رابطه معرفی» و «رابطه نمونه ارزش» تقسیم می‌شوند.

ب) مشارک Participant: شرکت‌کنندگان در عمل هستند و عموماً به وسیله گروه اسمی بیان می‌شوند.

ج) عناصر حاشیه‌ای Circumstantial adjunct: جزو موضوع‌های فعل نیست و معمولاً به صورت گروه قیدی یا گروه حرف اضافه بیان می‌شود.

۳-۲. انواع فرآیندها

فرآیندها همان افعالی هستند که زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند با نام فرآیند مطرح می‌کند و بررسی آن‌ها نشان‌دهنده جهان‌بینی شاعر یا نویسنده است و بار اصلی تحصیل معنا

در نقش اندیشگانی را در تحلیل فرآیندها رقم می‌زند. «فرانقش تجربی تنها روی محتوای گزاره‌ای بند متمرکز است و آن لایه‌ای از معنا که آشناترین جلوه معناست و در مطالعات زبانی بیشتر مورد توجه است بررسی می‌کند. در این فرانقش تنها به نوع کنشی که در فعل اصلی بند بیان شده است، توجه می‌شود و تجارب ما از جهان، خواه تجربه‌های بیرونی و خواه تجربه‌های درونی، در قالب فرآیندهای دسته‌بندی متجلی می‌شوند. این فرآیندها به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: فرآیند مادی، فرآیند ذهنی و فرآیند رابطه‌ای. البته در مرز بین این سه فرآیند اصلی، سه فرآیند دیگر قرار می‌گیرند که عبارتند از: فرآیند رفتاری، فرآیند بیانی، فرآیند وجودی» (رضایی و دیانتی، ۱۳۹۶: ۷۹). در ادامه به بررسی تک‌تک فرآیندهای شش‌گانه مطرح در الگوی نقش‌گرای هلیدی می‌پردازیم:

۱-۳-۲. فرآیند مادی Material process

فرآیندهای مادی عبارتند از اعمال فیزیکی، نشان‌دهنده رخداد و حادثه، بیانگر تجربه افراد از دنیای بیرون و محور کنش یا دنیای روابط مادی است. در این نوع فرآیندها دو مشارک وجود دارد: ۱. کنش‌گر؛ ۲. کنش‌پذیر و عنصر دیگر این نوع فرآیند هدف Goal است (رستم بیگ تفرشی و رمضانی، ۱۳۸۹: ۳۷۲). نمونه فرآیندهای مادی عبارتند از: آزمایش کردن، اتفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، آمدن، گرفتن، قسمت کردن، دویدن، نوشتن، خریدن، پختن، کوبیدن، خوردن، افتادن و ...

۲-۳-۲. فرآیند ذهنی Mental process

این فرآیند نشان‌دهنده احساس و ذهنیت، بازنمود دنیای درون و شناخت و ادراکات انسانی و تجربه ما از جهان خودآگاهی است. در این فرآیند کاری انجام نمی‌گیرد، بلکه کنشی در دنیای درون ذهن رخ می‌دهد و بر اندیشه، ادراک و احساس دلالت می‌کند. «انواع فرآیند ذهنی از این قرارند:

- حسی Perception؛ شامل افعالی چون: دیدن و شنیدن، چشیدن، لمس کردن و ...
- تأثیری Affection؛ چون دوست داشتن، ترسیدن، لذت بردن، توجه کردن و ...

– شناختی Cognition؛ مثل: شناختن، فکر کردن، دانستن، درک کردن، فهمیدن، باور کردن و...» (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

۲-۳-۳. فرآیند رابطه‌ای Relationship process

بر چگونگی و کیفیت بودن چیزها دلالت می‌کند که اغلب با افعال بودن (به معنی چگونگی بودن، نه وجود داشتن) بیان می‌شود و دنیای درون و بیرون ذهن را به هم مرتبط می‌سازد. نقش اصلی فرآیندهای رابطه‌ای شخصیت‌بخشیدن و هویت دادن بوده و مسأله اصلی، بیان وضعیت و مالکیت چیزی است. فرآیند رابطه‌ای بر دو نوع است:

- گونه شناسایی Identifying mode که نوعی رابطه همسانی در دو سوی رابطه دیده می‌شود و شناسا که هویت مشارک دیگر را که شناخته خوانده می‌شود، تعیین می‌کند.
- گونه وصفی Attributive mode و اسنادی که یک ویژگی که ممکن است کیفیت، زمان، مکان یا دارایی باشد به چیزی نسبت داده می‌شود. این صفت ویژگی نام داشته و دارای یک مشارک به نام حامل است که آن ویژگی به آن نسبت داده می‌شود. نمونه‌ای از فرآیندهای رابطه‌ای عبارتند از: شدن، تبدیل شدن به بودن، داشتن، مالکیت داشتن، متعلق بودن، در اختیار قرار دادن، به نظر رسیدن، شبیه بودن، گشتن و... .

۲-۳-۴. فرآیند رفتاری Behavioral process

این نوع فرآیند دربرگیرنده رفتارهای روانی، زیستی و فیزیولوژیکی انسان است که بین فرآیندهای مادی و ذهنی قرار داشته و به رفتارهای جسمانی و روان‌شناختی انسان مربوط می‌شود. در مقایسه با سایر فرآیندها، تشخیص فرآیند رفتاری از همه دشوارتر است؛ زیرا نمی‌توان ویژگی خاصی را به این فرآیند نسبت داد. زمان بی‌نشان در فرآیند رفتاری، حال اخباری است و حال ساده نیز در صورتی که مفهومی غیر عادی ندهد، به عنوان زمان بی‌نشان به کار می‌رود» (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۹). نمونه‌های فرآیند رفتاری عبارتند از: نگاه کردن، تماشا کردن، فکر کردن، حرف زدن، خندیدن، گریه کردن،

سکسکه کردن، نفس کشیدن، آواز خواندن، نشستن، خوابیدن، سرفه کردن، لبخند زدن، نالیدن، فرار کردن، آه کشیدن و... .

۵-۳-۲. فرآیند کلامی Target process

فرآیندهای کلامی یا بیانی به‌طور کلی شامل فرآیندهایی از نوع گفتن می‌شوند و بین فرآیندهای ذهنی و رابطه‌ای قرار دارند. بند دارای این فرآیند به بیان چیزی اشاره دارد و انجام عمل فیزیکی گفتن است که ماحصل یک فعالیت ذهنی است. ویژگی بارز این فرآیند انتقال پیام به‌وسیله زبان است. بند دارای این فرآیند به بیان چیزی اشاره دارد؛ مانند: الف) او چه گفت؟ ب) او گفت: آنجا شلوغ است. در این بند «او» گوینده است. این نوع بندها، در متون مختلف کاربرد دارند، به‌این ترتیب که در متون روایی از این فرآیند بسیار استفاده می‌شود. نمونه‌هایی از فرآیندهای بیانی در زبان فارسی به این شرح است: ستودن، توهین کردن، سرزنش کردن، نقد کردن، حرف زدن، صحبت کردن، گفتن، قول دادن، تذکر دادن، توضیح دادن، پرسیدن، اعلام کردن، فریاد زدن، هشدار دادن، گزارش کردن، دستور دادن و... .

۶-۳-۲. فرآیند وجودی Existential process

فرآیند وجودی نشان‌دهنده وجود، هستی یا رخداد چیزی است و وجود داشتن یا اتفاق افتادن چیزی را بیان می‌کند و گویای وقوع حادثه نیز می‌باشد. و در واقع این فرآیند از هستی و نیستی پدیده‌ای سخن می‌گوید و بین دو فرآیند مادی و رابطه‌ای قرار دارد. نمونه‌هایی از فرآیند وجودی عبارتند از: وجود داشتن، باقی ماندن، رواج داشتن، رویدادن، رشد کردن، رخ دادن، اتفاق افتادن، به وجود آمدن، مطرح شدن، ظاهر شدن، آویزان بودن، بودن، استن و نیستن و... .

۳. فتوت نامه شیخ ابو حفص شهاب‌الدین عمر سهروردی

از سهروردی دو فتوت نامه در دست است. این فتوت نامه‌ها در مجموعه‌ای با نام «رسائل

جوانمردان»، شامل هفت فتوت‌نامه فارسی، تحت سرپرستی هنری کرین Henry Corbin، توسط بخش ایران‌شناسی «انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران» منتشر شده است. مرتضی صراف در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، تاریخچه عیاران و جوانمردان را در میان ایرانیان می‌جوید و با الهام گرفتن از کلمه ایران، که هم معنی با آزادگان و بخشندگان است، سابقه فتیان را با تاریخ باستانی ایرانیان و ادیان پیش از اسلام می‌پیوندد. وی احیا و پابندی به چنین نظام‌های روحانی و اخلاق‌گرا را برای نجات انسان و جوامع امروزی ضروری می‌داند و دست‌یابی به صلح پایدار را در سایه‌سار پای‌بندی به تعالیم تعالی‌گرا و نجات‌بخش جوانمردان میسر می‌شمارد.

احسان نراقی، با ترجمه و انتشار کتاب «آیین جوانمردی»، نظریات هنری کرین را در خصوص این هفت فتوت‌نامه از فرانسه به فارسی ترجمه کرده و در اختیار فارسی‌زبانان نهاده است. کرین، با دقت در فحوای این متون، علاوه بر تحلیل محتوایی و موضوعی فتوت‌ها، بیش از هر چیز به تاریخ اهل فتوت پرداخته است. وی آغاز آیین جوانمردی را در میان سپاهیان و دلاوران می‌داند و از آن به معرفت سپاهی و پهلوانی یاد می‌کند. کرین روحیه فتوت سلحشورانه را با شوالیه‌ها Chevaliers در فرانسه و اروپا مقایسه نموده و هم‌طراز می‌شناسد. به اعتقاد او، بعدها جوانمردی، تحت تأثیر نهادهای قدرت و مذهب، از بُعد جنگجویانه فاصله گرفته و صرفاً ابعاد معنوی و معرفتی می‌یابد. کرین با دقت در جزئیات زبانی و محتوایی فتوت‌نامه‌ها، سعی در ارائه تعریفی درست از واژه و قاموس فتوت دارد؛ چنان‌که از فتوت‌نامه نخست کتاب، فتوت را در ریشه فتی می‌جوید و توضیحات دامنه‌داری در این زمینه ارائه می‌نماید و یا با رویکردی به فتوت‌نامه سهروردی، رابطه لغوی و ایدئولوژیکی بین فتوت (عرفان) و فتوی (شریعت) را شرح می‌دهد و معتقد است که «فتوی‌نامه‌ها را نیز باید در ردیف رسائل جوانمردان محسوب داشت» (کرین، ۱۳۵۲: ۱۴). وی با کاوش در این متون و با تکیه بر آرای فتوت‌نامه‌نویسان، پیشینه فتوت را تا عهد حضرت آدم^(ع) به عقب می‌برد. کرین با استفاده از محتوای فتوت‌نامه‌ها (به‌ویژه فتوت‌نامه سهروردی)، از شیث پیامبر به‌عنوان آغازگر تصوف روحانی و از ابراهیم

خلیل‌الله به‌عنوان پدر جوانمردان یاد می‌کند: «نقشی که در اینجا به شیث داده شده، قابل توجه است؛ زیرا از دیدگاه معرفت‌شناسی اسلام، شیث نقش مهمی دارد و او را به‌عنوان پیامبر اشراقیون به شمار می‌آورند» (همان، ۱۳۸۵: ۴۲). وی امتداد هم‌آوایی و همدلی فتوت و نبوت (ابراهیمی، عیسوی، زرتشتی و...) را به ولایت و امامت علی^(ع) متصل می‌داند و از این زنجیره ناگسستگی بین شریعت، طریقت و ولایت، به اتحاد و همبستگی ماهوی ادیان و مکاتب توحیدی و تجمیع همه جوانمردان جهان در زیر لوای واحد تعبیر می‌کند که در صورت تحقق می‌تواند عاملی مؤثر در کاهش تعصبات و خشونت‌ها در میان نوع بشر باشد: «چه اگر بپذیریم که حضرت ابراهیم، ابوالفتیان و پدر همه شوالیه‌های ادیان ابراهیمی است، پدر همه اهل کتاب نیز به‌شمار می‌آید و از اینجا می‌توان به پیوند جهانی ادیان پی برد» (همان: ۱۱). کرین در خصوص جوانمردان ایرانی و اروپایی، به فعالیت باطنیان (اسماعیلیه) که از شعب شیعی مسلک هستند نیز سخن می‌گوید. در این بحث مستوفی نیز می‌توان ردپای اندیشه وحدت فتوت و ولایت را جستجو کرد. هنری کرین علاوه بر مقدمه مفصل در شرح آیین فتوت، برای هر هفت فتوت نامه، به گونه مجزا شرحی نوشته و پس از معرفی اجمالی مؤلف آن و اثرگذاریش بر این مسلک، ابواب مهم هر کتاب را مطرح نموده و خلاصه‌ای از مباحث مهم هر کتاب را ارائه نموده است.

دو فتوت نامه شیخ ابو حفص شهاب‌الدین عمر سهروردی، در کتاب رسائل جوانمردان (رسائل سوم و چهارم) آمده است؛ شیخ در فتوت نامه یکم، نخست به تاریخچه تصوف و فتوت اشاره می‌کند و آن‌چنان‌که در نظریات کرین ذکر شد، سهروردی تاریخ فتوت را به فرزندان آدم^(ع) و شیث^(ع) و ابراهیم خلیل‌الله^(ع) نسبت می‌دهد و روند این مسلک و مرام را تا خاتم‌النبین و پس از آن در اولیا الله و امامت علی^(ع) می‌رساند. در تحلیل ذکر چنین شجره متحدی برای نحله‌های مختلف و متعدد تصوف، جز تفکر پلورالیستی، باید به گرایش‌های شیعی ناصر لدین الله (که فعالیت‌های اجتهادی و پژوهشی سهروردی در خدمت او انجام می‌یابد) و تلاش او برای اتحاد و زیر یک لوای دولتی و خلافتی در آوردن فرق صوفیه و عرفان نیز توجه نمود: «آن خلیفه، آرزوی برقراری اصول فتوت را

در سراسر جهان در سر می‌پروراند. او می‌خواست همه تشکیلات جوانمردان را زیر یک پرچم درآورد. در این زمینه حتی از فتوت‌درباری سخن به میان آمده است» (همان: ۱۳).
بقیه فتوت‌نامه یکم سهروردی، به تبیین و تعریف جایگاه فتوت و فتیان در چهار راهه شریعت، طریقت، حقیقت و فتوت و ارتباط هر یک این راه‌ها با هم و چرایی وجود طریق چهارم یعنی فتوت اختصاص دارد. او در مقام استدلال کلام خود، مرتب تلمیحات و اقتباسات قرآنی، احادیث نبوی و نقل‌قول‌هایی از بزرگان تصوف و عرفان (اغلب به زبان عربی و همراه با ترجمه فارسی آن) نقل می‌کند. گاهی نیز حکایاتی از تاریخ صدر اسلام و دوران امامت علی^(ع) در متن فتوت‌نامه می‌آورد تا مشابهت یا افتراقی از نهاد شریعت و فتوت را با مصادیق عینی و عملی از سیره نبوی و علوی مشروح سازد.

فتوت‌نامه دوم سهروردی، مفصل‌تر و تا حدودی منسجم‌تر از فتوت‌نامه یکم و در عین حال دنباله و مکمل آن است. همان تعاریف در خصوص جزئیاتی از چهار رکن شریعت، طریقت، حقیقت و فتوت همراه با امثله‌ای از آیات و احادیث و اعمال و گفتار بزرگان در ذکر جایگاه استحقاقی فتوت در این چهار راهه، بخش نخستین این رساله را تشکیل می‌دهد: «فتوت، ره‌نمایی است به جمله طرائق خوب و نزدیک‌کننده است به انبیا و اولیا و صدیقان و شهداء و بهشت و به حق سبحانه و تعالی؛ پس از این جاست که فتوت برترین جمله طریق‌هاست» (سهروردی، ۱۳۵۲: ۱۰۷)؛ در بخش دوم، در پنج باب به شرح جزئیاتی از بایستگی‌های رفتاری و اخلاقی گروندگان به آیین فتوت ذکر شده است. در این پنج باب، تمشیت و تربیتی که از فتیان انتظار می‌رود در معاشرت با خلق‌الله داشته باشند، ذکر می‌شود و همچنین در پنج باب، حقوق تربیه (مرید تحت پرورش) و صاحب (شیخ و مراد) بر یکدیگر و آداب تربیت مریدان در این تفکر ذکر شده است. در این پنج باب، علاوه بر موازین اخلاقی، شیوه‌های تعلیم و تربیت اخلاقی - عرفانی نیز ذکر شده است. سهروردی در این ابواب پنج‌گانه، هم‌چنان که از روش‌های تربیتی اسلامی و اولیای دین، نظیر خلفای راشدین مثال‌هایی را ذکر می‌کند، حکایت‌هایی نیز از شیوه‌های رفتاری - تربیتی مشایخ طریقت و فتیان نقل می‌کند و بدین ترتیب با اشاره ضمنی به تفاوت‌های

موجود در این دو سیره پرورشی، امتیازات موجود در جنبه‌های تعلیمی و اخلاق تربیتی اولیا و مشایخ این طریقه را نیز به گونه ایمایی گوشزد می‌نماید.

جدول شماره ۱: نمونه‌هایی از فرآیند رابطه‌ای در متن فتوت نامه یکم سهروردی

فرآیند رابطه‌ای	حامل	محمول	فعل
صد و بیست و اند هزار نقطه نبوت و رسالت را به آدم همراه کرد	آدم	همراهی	کرد
باری تعالی او را امام و خلیفه اهل خواص ساخت	او	امام و خلیفه اهل خواص	ساخت
هر کس غیبت کند	هر کس	غیبت	کند
و بهتان گر باشد	محذوف	بهتان گری	باشد
او را در مسلمانی خلل باشد	او	مسلمانی	خلل باشد
آن کس که مطیع امر نباشد	آن کس	مطیع امر	نباشد
قدم از جاده شریعت مسلمانی بیرون نهاده باشد	محذوف	قدم بیرون نهادن	نهاده باشد
چون در حرص و امل باز باشد	در حرص و امل	باز	باشد
ولایت ایمان را از غارت شیطان بیم باشد	ولایت ایمان	غارت شیطان	بیم باشد
که بی سؤال عطا کند به محل استحقاق	محذوف	عطا بی سؤال	کند
فرق میان کرم و سخاوت آن است	کرم و سخاوت	فرق	است
که هر کریمی سخی باشد	هر کریمی	سخی	باشد
هستی صورت و هستی معنی به هم جمع نیاید	هستی صورت و هستی معنی	جمع	نیاید
که صاحب فتوت و صاحب کرم بود	محذوف	صاحب فتوت و کرم	بود
چون به شیث رسید	محذوف	شیث	رسید
شیث ^۲ در عالم ارواح همین دو صنعت را کمر اتقاید بر میان بست	شیث	کمر اتقاید	بر میان بست
که امین باشد	محذوف	امین	باشد
و امانت را به صاحب حق رساند	محذوف	امانت	رساند
که متواضع باشد	محذوف	متواضع	باشد
لاشک فیه حایک کسوت صورت بود	حایک کسوت	صورت	بود
بلکه حایک کسوت فتوت بود	حایک کسوت	فتوت	بود
زیرا که عالم دوست یکی صورتی و یکی حقیقتی	عالم دوست	صورتی و حقیقتی	محذوف
جامه تصوف بغایت بافتی	محذوف	جامه تصوف	بافتی

۲۳ بررسی فرآیندها و نقش آن در گفتمان ایدئولوژیکی فتوت‌نامه سهروردی با رویکرد نقش‌گرایی

فرآیند رابطه‌ای	حامل	محمول	فعل
به طریقت نتوان رسید الا به شریعت	طریقت	شریعت	نتوان رسید
جماعتی والهان را در کشتی شریعت نشانند	محذوف	کشتی شریعت	نشانند
خلاصه فتوت از حضرت ربوبیت و خزانه لطف آمد	خلاصه فتوت	حضرت ربوبیت و خزانه لطف	آمد
آفتاب فتوت از این دو درجه برآید یا برج نبوت یا برج ولایت	آفتاب فتوت	برج نبوت و برج ولایت	برآید
اولاد را به عمارت و زراعت فرو داشتن	اولاد	عمارت و زراعت	فرو داشتن
تا به ظاهر و باطن به عبادت خدای تعالی مشغول باشد	محذوف	عبادت خدای تعالی	مشغول باشد

جدول شماره ۲: نمونه‌هایی از فرآیند ذهنی در متن فتوت‌نامه یکم سهروردی

فرآیند ذهنی	مدرک	پدیده	فعل
واجب بود او را بساط عدل گسترانیدن	او	بساط عدل	واجب بود
پس شیث ^(۱) عمارت عالم معنی اختیار کرد	شیث	عمارت عالم معنی	اختیار کرد
چون شیث ^(۲) بعمارت عالم ارواح مشغول شد	شیث	عمارت عالم ارواح	مشغول شد
چون شیث ^(۳) در خلوت‌خانه فقر اعتکاف آورد	شیث	خلوت‌خانه فقر	اعتکاف آورد
از دنیا و عقبی مستغنی شدی	محذوف	استغنا از دنیا و عقبی	شدی
به دروازه مرگ مجاور بنشیند	محذوف	دروازه مرگ	مجاور بنشیند
پیش از آنکه بمیرانندش بمیرد	محذوف	مردن	بمیرد
از سکرات جان کندن غافل باشد	محذوف	سکرات	غافل باشد
اگر دنیا نیابد	محذوف	دنیا	نیابد
نیت خود از عمل زیادت کند	محذوف	نیت	زیادت کند
اهل فتوت و کرم را همه کس دوست دارند	همه کس	دوست داشتن اهل فتوت	دوست دارند
هر که در شهرستان علم و عمل قدم نهاد	هر که	شهرستان علم و عمل	قدم نهاد
گذر بر امیرالمؤمنین علی - رضی الله عنه - کرد	محذوف	امیرالمؤمنین	گذر کرد
واجب بود او را بساط عدل گسترانیدن	او	بساط عدل	واجب بود
ما می‌خواهیم	ما	محذوف	می‌خواهیم

جدول شماره ۳: نمونه‌هایی از فرآیند رفتاری در متن فتوت‌نامه یکم سهروردی

فرآیند رفتاری	رفتارگر	فعل
علم جمله موجودات آدم ^(۱) را بیاموخت	محذوف	بیاموخت

فرآیند رفتاری	رفتارگر	فعل
آدم ^(ع) هر فرزندی را حرفت و صنعتی تعلیم داد	آدم ^(ع)	تعلیم داد
تا به عمارت و زراعت دنیا مشغول باشند	محذوف	مشغول باشند
همه را صنعت و حرفت پیاموخت الا شیث پیغامبر	محذوف	پیاموخت
حرفت و صنعت دنیا هیچ قبول نکرد	محذوف	قبول نکرد
هم بافندگی می‌کرد	محذوف	بافندگی می‌کرد
و هم زراعت	محذوف	محذوف
زبان از غیبت و بهتان و سخن بیهوده نگه دارد	محذوف	نگه دارد
که اگر همه عالم او را برنجانند	همه عالم	برنجانند
نرنجد	محذوف	نرنجد
و نرنجانند	محذوف	نرنجانند

جدول شماره ۴: نمونه‌هایی از فرآیند کلامی در متن فتوت نامه یکم سهروردی

فرآیند کلامی	گوینده	مخاطب	فعل
آنکه بر فریشتگان عرض کرد	محذوف	فریشتگان	عرض کرد
گفت: ای پدر چون همه را به کار دنیا مشغول کردی؟	محذوف	ای پدر - گفته: کار دنیا	گفت
یکی باید از اولاد تو	محذوف	اولاد تو - گفته: یکی	باید
اگرچه بعضی از علمای دین کترهم الله گفته‌اند	بعضی از علمای دین	محذوف	گفته‌اند
آدم ^(ع) فرزندان را گفت	آدم ^(ع)	فرزندان	گفت
شما کشت ولایت کنید	محذوف	شما - گفته: کشت ولایت	کنید
سید ^(ع) فرموده است	سید ^(ع)	محذوف	فرموده است
چون شیث ^(ع) روی به یکبار با خدا کرد	شیث ^(ع)	خدا	روی کرد
یا نبی الله	محذوف	نبی الله	محذوف
گفت کی شما	محذوف	شما	گفت
در حد سخاوت مردان گفته‌اند	محذوف	مردان - گفته: سخاوت	گفته‌اند
در حقیقت خلت، مشایخ و علما و مسافران گفته‌اند	مشایخ و علما و مسافران	حقیقت خلت	گفته‌اند
حق تعالی او را خلیل به سبب آن خواند	حق تعالی	او - گفته: خلیل	خواند
اخى باید	محذوف	اخى	باید
اخى و صاحب فتوت می‌باید	محذوف	اخى و صاحب فتوت	می‌باید

جدول شماره ۵: نمونه‌هایی از فرآیند وجودی در متن فتوت‌نامه یکم سهروردی

فرآیند وجودی	موجود	فعل
آدم صفی را از کتم عدم به‌صحرای وجود آورد	آدم صفی	آورد
اول کسی که از بنی‌آدم صوفی بود	اول کسی	بود
شیث ^(ع) بود	شیث ^(ع)	بود
علم دو گونه است	علم	است
یکی شریعت است	شریعت	است
دوم طریقت است	طریقت	است
کسوت تصوف خرقه است	کسوت تصوف	است
زیر جامه یک جزوست از خرقه	زیر جامه	است
ارکان طریقت نامعدود است	ارکان طریقت	است
فتوت را دوازده رکن است	فتوت	است
گاه باشد	محدوف	باشد
و گاه نباشد	محدوف	نباشد
آشیانه جود انبیاء و اولیاء بود	آشیانه جود	بود
همچنان‌که آدم ^(ع) خلیفه اهل آسمان و زمین بود	آدم ^(ع)	بود
چون حقوق فوت شده	حقوق	فوت شده
ولایت فوت شاه باشد	ولایت	باشد
سخاوت آن باشد	سخاوت	باشد
اخی آن باشد	اخی	باشد
همچنان‌که عالم صورت را از عمارت ناگزیر است	عالم صورت	است
عالم حقیقت را نیز از عمارت ناگزیر است	عالم حقیقت	است
علم طریقت در دریای حقیقت و فتوت جزوی از دریای طریقت است	علم طریقت	است

جدول شماره ۶: نمونه‌هایی از فرآیند مادی در متن فتوت‌نامه یکم سهروردی

فرآیند مادی	کنش‌گر	کنش‌پذیر	فعل
عالم ظلمانی را به نور چراغ انسانی منور گردانید	محدوف	عالم ظلمانی	منور گردانید
هفت روز، از عالم غیب سه قرص جوین حق تعالی بفرستاد	حق تعالی	سه قرص نان جوین	بفرستاد
هرکه در شهرستان علم و عمل قدم نهاد	هرکه	شهرستان علم و عمل	قدم نهاد

فرآیند مادی	کنش‌گر	کنش‌پذیر	فعل
آدم را از خزانه لطف به دعوت خانه خلقت و عبودیت آورد	محذوف	آدم	آورد
هر که از آن جامه بافتی	هر که	جامه	بافتی
اما در دریا قدم نتوان نهادن الا به علم سیاحت و سیاحت	محذوف	دریا	قدم نهادن
به جزیره فتوت برسید	محذوف	جزیره فتوت	رسید
و به آشیانه سید نزول کرد	محذوف	آشیانه سید	نزول کرد
در این جزیره مسکن سازید	محذوف	جزیره	مسکن سازید

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی انواع فرآیندها در فتوت نامه سهروردی

رابطه‌ای	ذهنی	رفتاری	کلامی	وجودی	مادی	کل فرآیندها
٪ ۲۷/۲۷	٪ ۱۷/۲۷	٪ ۱۰	٪ ۱۴/۵۴	٪ ۱۸/۱۸	٪ ۱۰/۹۰	٪ ۱۰۰
۱۱	۳۰	۲۲	۱۹	۱۶	۱۲	۱۱۰

۴. تحلیل و بررسی داده‌های آماری و فرآیندها

بررسی اندیشگانی متن فتوت نامه اول سهروردی و تحلیل نمودار توزیع فراوانی فرآیندها در این متن نشان می‌دهد که نویسنده اغلب با بهره بردن از فرآیندهای رابطه‌ای، وجودی و ذهنی، به جنبه‌های کاربرد پاره‌گفتار در بافت زبانی و گفتمان ایدئولوژیکی و با تولید عبارات و جملات معنادار و اکثراً رمزی و نمادین و دارای لایه‌های معنایی متفاوت پرداخته است.

فراوانی بالای بسامد رابطه‌ای در افعال و عباراتی همانند: «صد و بیست و اند هزار نقطه نبوت و رسالت را به آدم همراه کرد»، «او را در مسلمانی خلل باشد»، «ولایت ایمان را از غارت شیطان بیم باشد»، «بی سؤال عطا کند به محل استحقاق»، «هر کریمی سخی باشد»، «شیث علیه‌السلام در عالم ارواح همین دو صنعت را کمر انقیاد بر میان بست»، «لاشک فیه حایک کسوت صورت بود»، «به طریقت نتوان رسید الا به شریعت» و «خلاصه فتوت از حضرت ربوبیت و خزانه لطف آمد»، بیانگر چگونگی، هویت و کیفیت حالاتی است که در فتوت‌نامه سهروردی به آنها اشاره گردیده است؛ از جمله: مراتب اهل فتوت و مراتب

فتوت، کیفیت آداب و رسومی که یک فنی بایستی به جمیع حالات مشرف باشد تا بتواند در این مسیر طی طریق نماید.

فراوانی بسامدهای وجودی و ذهنی و کلامی که تقریباً در یک حد بدان‌ها پرداخته شده است مانند افعال و عباراتی چون: «آدم صفی را از کتم عدم بصحرا وجود آورد»، «اول کسی که از بنی آدم بود صوفی بود»، «کسوت تصوف خرقة است»، «ارکان طریقت نامعدود است»، «فتوت را دوازده رکن است»، «آشیا نه جود انبیا و اولیا بود»، «همچنان که آدم علیه‌السلام خلیفه اهل آسمان و زمین بود» و «علم طریقت در دریای حقیقت و فتوت جزوی از دریای طریقت است» که همگی از هستی و نیستی بحث می‌کنند و این درحالی است که اشارات و سویه‌هایی از درون متن و با بار هرمنوتیکی است که نیاز به بسط معنا و شرح و بسط دارد. فراوانی و کاربرد بسامد ذهنی مانند افعالی و عباراتی چون: «واجب بود او را بساط عدل گسترانیدن»، «پس شیث علیه‌السلام عمارت عالم معنی اختیار کرد»، «چون شیث علیه‌السلام در خلوت خانه فقر اعتکاف آورد»، «به دروازه مرگ مجاور بنشیند»، «اهل فتوت و کرم را همه کس دوست دارند»، «هر که در شهرستان علم و عمل قدم نهاد» و «از دنیا و عقبی مستغنی شدی»، اشاره به نکته‌های درون متنی دارد که از ارتباط درونی و وجهه و بافت معنایی متفاوت برخوردار بوده و دارای لایه‌های باطنی و جهت‌گیری ایدئولوژیکی و نیازمند تفسیر و تأویل واژگانی است.

نکته دیگری که در فراوانی فرآیندهای ذهنی در این متن به چشم می‌آید، آن است که معمولاً وجود مضامین ذهنی دلالت بر فردگرایی و درون‌گرایی نویسنده دارد ولی سهروردی با بهره‌گیری از فرآیندهای رابطه‌ای و رفتاری این درون‌گرایی و ارتباطات ذهنی خود را با دنیای بیرون متصل کرده و با توصیف پدیده‌ها و وقایع درون‌متنی به جنبه وصفی متن سویه‌ای اجتماعی و فراگیر می‌بخشد و به‌جای روایت‌مندی محض، به حالات و توصیفات منجر به رفتاری و درک و فهم محیط اطراف می‌پردازد و در مواردی طرف دیگر را به حضور می‌طلبد.

بیان چگونگی و هویت بخشی به معانی و تعریف‌گونگی پیام‌ها و نیز غلبه کنش

توصیفی در گفتمان اثر، باعث شده است که بسامد فرآیندهای رابطه‌ای ذهنی / شناختی و ذهنی / تأثیری، و وجودی در متن فتوت نامه سهروردی، بیش از سایر فرآیندها نمود داشته باشد؛ هم‌چنان که در معرفی فتوت نامه سهروردی ذکر شد، در این کتاب، سهروردی بیشتر با استفاده از روش‌های تعریف و توصیف به تبیین چارچوب فکری و معرفتی خود در باب فتوت و جایگاه آن در جامعه انسانی و در میان مکاتب فکری و مذهبی پرداخته است: «علم دو گونه است: یکی شریعت است، دوم طریقت؛ به طریقت نتوان رسید الا به شریعت» (همان: ۹۳).

فراوانی فرآیندهای وجودی و ذهنی و رابطه‌ای و گونه‌های آن در بافت گفتمانی توصیفی متن، وجهه‌ای تشریحی به این کتاب بخشیده است؛ به عبارت دیگر، نوعی گفتمان اقتداری در متن این کتاب به چشم می‌آید که می‌تواند ماحصل اتحاد دو موضع مذهب / طریقت و سیاست در این عصر باشد؛ چنین کنش اندیشگانی بی‌شک محصول جانب‌داری نهاد قدرت از نهاد فتوت در این عصر است؛ بدان گونه که در معرفی کتاب ذکر شد، این اثر تحت درخواست و حمایت مستقیم خلیفه عباسی (الناصر لدین الله) و برای نهادن موازین و قوانین طریقت یا فتوت درباری نگاشته شده است؛ بنابراین جنبه عناصر شخصیتی و بیان وضعیت روابط روحی و فیزیکی و همچنین بن مایه‌های تشریحی متن، بسیار پر رنگ‌تر از کنش تبلیغی یا حتی کنش تعلیمی / تحذیری اثر است. گفتمان اقتداری متن تحت حمایت نهاد قدرت، در بیشتر مواقع، اجازه مقایسه بین شریعت و فتوت را به مؤلف آن داده است و نویسنده چه در کنش‌های توصیفی و چه در مواضع تشریحی، با ذکر مصادیقی از سیره اهل شرع و اهالی فتوت، ضمن مقایسه بین دو راهه شرع و طریقت، عملکرد طریقتیان و فتیان را به کرامت انسانی و کسوت خلیفه‌اللهی او نزدیک‌تر معرفی می‌کند.

در بیان فرآیند وجودی همچنین می‌توان گفت بسامد کاربرد واژگان و تعبیری همچون «هستی و نیستی، بودن و نبودن نبوت نبی، علی، شیث، خلیل الله و دیگر انبیاء، گاه‌به‌گاه بودن سخاوت و عفو و بخشش و کرم، اقرار به ندامت و حسرت، بودن اخی،

فتوت حقوق و ولایت، بودن اهل فتوت در بند شلوار و شکم، زبان و سمع و بصر و دست و قدم و حرص و امل و هستی آفرینش»، بیانگر موجودیت و عدم آن در حالت کلی است که به هستی پدیده‌ها و رویدادهای موجود در متن دلالت دارد.

توجه به این مسأله ضروری می‌نماید که فراوانی فرآیندهای ذهنی و پیوند آن با فرآیندهای وجودی، به نوعی تفکر مشروعیت‌بخشی Legitimacy به آیین فتوت (به‌ویژه فتوت شیعی منظور خود) و یا حداقل پررنگ‌تر کردن این نهاد را به ذهن تداعی می‌نماید. اصلی‌ترین صدای گفتمانی موجود در متن، تأکید بر حقانیت نهاد فتوت است. مؤلف، ضمن تأکید مکرر بر اینکه فتوت از آب‌شخور شریعت بهره‌مند است، در بسیاری از مواضع از طریق کنش‌های ایضاحی در پی تقویت جنبه انسانی این تفکر و نشان دادن روحیه تعالی‌بخش و جوانمردانه موازین این آیین، در مقایسه با جدیت و لحاظ حدود شرعی است: «بسیار چیز به شریعت رواست و به مروت و فتوت روا نیست؛ نه آن است که فتوت و مروت به خلاف شریعت است، اما اهل فتوت را صفت آن است که اگر کسی با ایشان بدی کند، فتوت آن است که ایشان در عوض نیکی کنند و شریعت آن است که مکافات بدی، بدی کنند... اما این دو سه خصلتی که در شریعت است و فتوت روا نمی‌دارد خصلتی پسندیده است؛ زیرا که ترک نصیب خود کردن است و رضای دیگری جستن» (همان: ۱۰۵-۱۰۶).

آن‌چه ذهنیت مشروعیت‌طلبی برای فتوت مورد نظر شیخ را در این متن تقویت می‌کند، آن است که شیخ همزمان که عبوس شرع و زهد را با مروت اهل فتوت می‌سنجد و دومی را بر اولی ارجح می‌شمرد، برای قاطعیت و جزمیت حدود و موازین شرعی از سخت‌گیری‌های خلیفه نخست، عمر رضی‌الله عنه مثال می‌آورد و روایت می‌کند که چگونه فرزندش عبدالرحمن را به واسطه بزه، آن‌چندان حد بزد که جان داد (همان: ۱۳۳-۱۲۹)؛ در عوض برای بیان عطوفت و گذشت مرسوم اهل فتوت از سیره و منش علی^(ع) و تلاش ایشان برای بخشودگی مجرمان نمونه‌هایی ذکر می‌کند: «اگر کسی دزدی کرده بودی، چون او را به نزدیک امیرالمؤمنین آوردندی، دزدی بر وی درست شدی، اول دست

بریدن فرمودی، به موجب دلیل کلام حق که: «السارق و السارقه فاقطعوا أیدیہما جزاء به ما کسا نکالا من الله» راست که دست بریدن لازم شدی، گفתי اکنون او را عفو کن، گناه او را به من ببخش... چندان شفاعت کردی که او را خشنود کردی» (همان: ۱۰۷).

نکته دیگری که در ادامه فراوانی فرآیندهای ذهنی / شناختی و ذهنی / وجودی و نیز جنبه تشریحی متن باید به آن اشاره شود، این است که در چنین گفتمان توصیفی که به شناسایی مفاهیم انتزاعی مختص ایدئولوژی عرفانی - مذهبی اختصاص دارد، مؤلف ناگزیر از بنای عبارت با فرآیندهایی از این نوع است. چنین فرآیندهایی، نمودار فرانش‌های اندیشگانی موجود در متن هستند که اکثریت فرآیندهای متن فتوت‌نامه سهروردی را نیز تشکیل می‌دهد. فرآیندهای رابطه‌ای و ذهنی / رفتاری و ذهنی / وجودی، در گفتمان بیانی و توصیفی این متن، بسیاری از آداب و موازین مورد انتظار از اهل فتوت را شرح می‌دهد. در این ساختار گفتمانی، مؤلف بیش از کنش‌گرهای ترغیبی، خواهشی و یا تحذیری و اندازی، با بهره‌یابی از آغازگرهای اندیشگانی، موازین و هنجارهای مقبول اخلاقی و اجتماعی فقیان را باز تعریف می‌کند: «اخی آن باشد که اگر همه عالم او را برنجانند، نرنجد و نرنجانند و به رنجیدن هیچ کس رضا ندهد» (همان: ۹۷).

گفتمان سهروردی بیشتر فاقد عوامل تعاملی است. گفتمان خطابی، ابزاری تعاملی در اختیار گوینده قرار می‌دهد تا از طریق آن به شکلی سنجیده و قاعده‌مند، اطلاعاتی را به مخاطب منتقل نماید، سرگرمش کند و یا بر او اثرگذاری ویژه و انتخاب شده داشته باشد. سهروردی بیشتر از طریق عناصر تجربی به تعریف بایستگی‌ها و موازین اندیشگانی مورد نظر می‌پردازد؛ گاهی هم که از مصادر «بایستن» و «شایستن» برای ارشاد، تنبیه و یا تعلیم استفاده می‌کند، مخاطب را در جایگاه سوم شخص می‌نشانند: «صاحب باید مادام دل و درون مردم را به پاکی و پاک‌رویی و پارسایی و پاک‌دامنی و شیرین‌زبانی و تَلَطُّف به خود می‌کشد و سخن به عنف نگوید و در سلام و جواب، نیک به تواضع بود و تکبر و هستی و خودبینی نکند» (همان: ۱۲۵).

در این بندها، گوینده اغلب افعال و مصادر گویای بایستگی‌ها را با قیود خلود و دوام

نظیر «مادام» و «دائم» همراه کرده است، برای آن که حکم ناگزیری و امتداد جاری و ساری بودن این شرایع اخلاقی و تربیتی را تا پایان عمر جهان نشان دهد و آن را به ابدیت پیوند بزند: «و مادام سفره گشاده دارد» (همان: ۱۲۵). در این نوع بندها گوینده با قطعیت و جزمیت کامل سخن می‌گوید. وجود افعال و عباراتی همانند: «آنکه بر فریشتگان عرض کرد»، «یکی باید از اولاد تو»، «چون شیث علیه‌السلام روی به یکبار با خدا کرد»، «در حد سخاوت مردان گفته‌اند، در حقیقت خلت، مشایخ و علما و مسافران گفته‌اند» و از این قبیل عبارات در قالب فرآیند کلامی و قیود و افعال همه در راستای قطعیت کامل گوینده در مباحثی که ذکر می‌کند استوار است و هرگز شرط یا شک و اضطرابی در کلام او نمی‌توان یافت. سهروردی این احکام را چونان قوانین بالاتر دید و یقینی بازخوانی می‌نماید و با چنین قطعیتی به مخاطب القا می‌نماید که چارچوب اخلاقی و رفتاری آیین فتوت این است و جز این نیست: «اما هر کس که استعداد این قدم ندارد و قدم در این ره نهد، به حقیقت هلاک گردد و در غرقاب قهر فنا شود» (همان: ۱۱۱).

نتیجه

هدف این پژوهش، بررسی انواع فرآیندها در متن فتوت‌نامه سهروردی به منظور دستیابی به گفتمان ایدئولوژیکی موجود در این اثر به‌عنوان یکی از نمونه‌های مهم فتوت‌نامه‌نویسی فارسی بود. از انجام این تحقیق، نتایج زیر حاصل شد:

فرآیندهای رابطه‌ای، وجودی، ذهنی و گونه‌های آن (حسی و شناختی) از فراوانی و نمود بیشتری در این متن برخوردار است. کارکرد فرآیندهای ذهنی همراه با کنش‌های گفتاری ایضاحی و اثباتی در سازه‌بندهای این اثر، منظوره‌های گفتمانی نظیر: ۱. ترسیم تاریخچه فتوت و اتصال آن به نبوت (ابراهیم، شیث و پیامبر اکرم علیهم‌السلام) و ولایت (علی^ع) به قصد ایجاد پیوستاری بین شریعت و طریقت و تبیین یگانگی ماهوی طرائق مختلف تصوف و عرفان؛ ۲. جنبه تشریحی بخشیدن به اثر و تبیین آداب و رسوم و چارچوب کلی نهاد فتوت در پیوستگی به نهاد شریعت و سیاست؛ ۳. جمع بین اخلاق و عرفان؛ ۴. مشروعیت بخشی به فتوت شیعی در سایه حمایت مستقیم خلیفه الناصر لدین الله که با گرایش نهانی شیعی طالب اتحاد همه فرق طریقت زیر لوای فتوت درباری بوده است. فرآیندهای ذهنی در پیوند با فرآیندهای پُر بسامد مانند فرآیندهای رابطه‌ای و وجودی، بر منظوره‌های گفتمانی متن صحنه می‌نهد و جنبه‌های توصیفی و ایضاحی را تقویت نموده است. فرآیندهای دیگر، هم در بخش امثله متن که گاه از جنبه روایی برخوردار است و هم در بخش‌های دیگر اثر همانند فرآیندهای مادی و رفتاری، نمود پایین تری دارد؛ زیرا بهره‌مندی مؤلف از گفتمان تک‌صدایی غالب در متن، فرصت کنش‌های مادی و رفتاری فیزیکی را همانند سایر بخش‌ها نداده است که بی‌زمانی افعال (به جهت کاربرد مصادر) بر قطعیت گفتمان افزوده است. و می‌توان گفت گفتارهای ایدئولوژیکی و تشریحی و آداب و رسوم و مراتب فتوت و اهل فتوت بر رفتارهای مادی و فیزیکی مرسوم سایه انداخته است.

تعارض منافع: طبق گفته نویسنده، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع و مأخذ

- اقبال، عباس. (۱۳۸۸). **تاریخ مغول**. تهران: اساطیر
- ایشانی، طاهره و نازنین توتونچیان. (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی مقایسه‌ای تمهیدات و لوايح بر اساس فرانش متنی». **مجله زبان‌شناسی**. شماره ۲۱. صص: ۶۸-۵۳.
- ایشانی، طاهره. (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا». **زبان‌شناخت**. سال پنجم. شماره اول. صص: ۳۴-۱۹.
- تیشتر، فرانتس. (۱۳۳۵). «گروه فتوت کشورهای اسلامی و نوع ظهور گوناگون آنها مخصوصاً در ایران و کشورهای همجوار آن». **مجله ادبیات دانشگاه تهران**. سال ۴. شماره ۲. صص: ۷۶-۹۴.
- رستم بیگ تفرشی، آتوسا و احمد رضانی. (۱۳۸۹). «توصیف نوشتار دانش‌آموزان کم‌توان ذهن بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی». **فصلنامه ایرانی کودکان استثنایی**. سال ۱۰. شماره ۴. صص: ۳۸۹-۳۸۴.
- رضایی، والی و معصومه دیانتی. (۱۳۹۶). «کارآیی دستور نقش و ارجاع و دستور نقش‌گرای نظام‌مند در طبقه‌بندی افعال زبان فارسی: از نوع عمل در مقایسه با فرآیند». **مجله زبان و زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان**. دوره ۱۳. شماره ۲۵. صص: ۸۷-۶۸.
- سروری، امید. (۱۳۹۴). «ترجمه عوارف المعارف از ظهیرالدین عبدالرحمن شیرازی». **مجله پیام بهارستان**. سال ۷. دوره ۲. صص: ۱۱۱-۱۰۴.
- سهروردی، ابوحفص عمر بن محمد. (۱۳۵۲). «فتوت‌نامه یکم و دوم: در رسائل جوانمردان». به کوشش مرتضی صراف. تهران: انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). **قلندریه در تاریخ: دگردیسی‌های یک ایدئولوژی**. تهران: سخن.
- طاهری عراقی، احمد. (۱۳۶۹). «پاسخ‌های شهاب‌الدین عمر سهروردی به پرسش‌های علمای خراسان». **مجله مقالات و بررسی‌ها**. شماره ۵۰-۴۹. صص: ۶۴-۴۵.

فتوحی رودممعینی، محمود. (۱۳۹۱). **سبک شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**. تهران: سخن.

فرای، ریچارد. (۱۳۶۳). **تاریخ ایران کمبریج**. ترجمه حسن انوشه. جلد ۴. تهران: امیرکبیر.
کرین، هانری. (۱۳۵۲). **رسائل جوانمردان (مشمول بر هفت فتوت‌نامه)**. به کوشش مرتضی صراف. تهران: انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.

کرین، هانری. (۱۳۸۵). **آیین جوانمردی**. ترجمه احسان نراقی. چاپ دوم. تهران: سخن.
مجیدی، فاطمه؛ هادی یاوری و زهره قدوسی فیض‌آباد. (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های سبکی کشف‌المحجوب با رویکرد نقش‌گرای هلیدی». **پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)**. سال ۸، شماره ۲. پیاپی ۲۷. صص: ۱۵۶-۱۲۳.

نفسی، سعید. (۱۳۸۴). **بابک خرم‌دین دلاور آذربایجان**. به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. تهران: اساطیر.

- Cahen, Cl. (1987). Ayyar . Vol. 3. Encyclopaedia Iranica.
Cahen, Cl. (1991). Futuwat. Vol. II. Encyclopaedia of Islam.
Halliday .M.A.K & Matthiessen, christian. (2004). An introduction to Functional Grammar. ۳th Edition. London.
Thompson, Geoff. (2004). introducing Functional Grammar .second Edition. New York.
Zakeri, Mohsen. (1995). Sasanid soldiers in early Muslim society: the origins of Ayyārān and Futuwwa .Wiesbaden: Harrassowitz.

References

- Cahen, Cl. (1987). Ayyar . Vol. 3. Encyclopaedia Iranica.
Cahen, Cl. (1991). Futuwat. Vol. II. Encyclopaedia of Islam.
Corbin, H. (1973). Rasael javanmardan (moshtamel bar haft fotovvat Name). Be Koshesh-e Morteza Sarraf. Tehran: Anestito-ye faransavi pajoooheshha-ye ‘Elmi dar Iran.
Corbin, H. (2006). Ayin-e javanmardi. Tarjome-ye Ehsan Naraghi. 2th Edition. Tehran: Sokhan.
Fotoohi Roodma’jani, M. (2012). Sabk shenasi nazariyeha, rooykardha va raveshha. Tehran: Sokhan.
Frye, R. (1984). Tarikh-e Iran-e kambrij. Tarjome-ye hasan Anoooshe. Vol. 4. Tehran: Amirkabir.
Halliday .M. & Matthiessen, Ch. (2004). An introduction to Functional Grammar. ۳th Edition. London .
Iqbal, A. (2009). Tarikh-e moghol. Tehran: Asatir.

- Ishani, T & N. Tootoonchiyan. (2015). "Sabk shenasi-ye moghayesei-ye tamhidat va lavayeh bar asas fara naghsh matni". Majalle-ye zaban shenasi. No. 21. Pp. 53-68.
- Ishani, T. (2014). "Barrasi-ye vizhegiha-ye sabki va shakhsiyati-ye simin daneshvar ba rooykard-e zabanshenasi-ye naghshgara". Zaban shenakht. yaer 5. No. 1. Pp. 19-34.
- Majidi, F & others. (2014). "Barrasi-ye vizhegiha-ye sabki-ye kashf-ol mahjoob ba rooykard-e naghshgaray-e halliday". Pazhooheshhaye adab-e erfani (gohar-e gooya). year 8. No. 2. payapey 27. Pp. 123-156.
- Nafisi, S. (2005). Babak khoram din delavar-e Azarbayijan. Be Koshesh-e 'Abdol karim jorboze-dar. Tehran: Asatir.
- Rezayi, V & M. Diyanati. (2017). "Karayi-ye dastoor-e naghsh va erja'e va dastoor-e naghshgara-ye nezammand dar tabaghebandi-ye af'al-e zaben-e farsi: az no'e-e 'amal dar moghayeseh ba farayand". Majalle-ye zaban va zaban shenasi-ye Daneshgah-e Esfahan. Vol. 13. No. 25. Pp. 68-87.
- Rostam Beyg Tafreshi, A & A. Ramezani. (2010). "Towsif-e neveshtar-e danesh amoozan-e kam tavan zehn bar mabna-ye dastoor-e naghsh gara-ye nezammand-e halliday". Faslname-ye Irani-ye koodakan-e Estesnayi. Yaer 10. No. 4. Pp. 384-389.
- Sarvari, O. (2015). "Tarjome-ye 'Avaref-ol Ma'aref az Zahiroldin 'Abdolrahman shirazi". Majalle-ye payam-e baharestan. year 7. Vol. 2. Pp. 104-111.
- Shafi'i Kadkani, M.R. (2007). Ghalandariye dar tarikh: degardisihaye yek ide'olozi. Tehran: Sokhan.
- Sohravardi, A. (1973). "Fotovvat Name-ye yekom va dovvom: dar rasael-e javanmardan". Be Koshesh-e morteza sarraf. Tehran: Anestito-ye faransavi pajoooheshhaye 'Elmi dar Iran.
- Taheri 'Araghi, A. (1990). "Pasokhha-ye shahab-oldin 'omar Sohravardi be porseshha-ye 'olama-ye khorasan". Majalle-ye maghalat va barrasiha. No. 49-50. Pp. 45-64.
- Thompson, G. (2004). introducing Functional Grammar .second Edition. New York.
- Tishner, F. (1956). "Gorooh-e fotovvat-e keshvarha-ye Eslami va no'e zohoor-e goonagoon-e anha makhsoosan dar Iran va keshvarhaye ham javar-e an". Majalle-ye Adabiyat Daneshgah-e tehran. year 4. No. 2. Pp. 76-94.
- Zakeri, M. (1995). Sasanid soldiers in early Muslim society: the origins of Ayyārān and Futuwwa .Wiesbaden: Harrassowitz.